

#### یادداشت

### بستنی به جای دوچرخه آیفون به جای ازدواج

**علی کلانتری**

پای صحبت ما دهه شصتی‌ها که بنشینید، حرف برای گفتن زیاد داریم؛ حرف‌هایی از جنس گله، حرف‌هایی که شاید به واسطه آن حیا و نبود اعتماد به نفسی که از سبک زندگی در آن زمان به ارث بردیم، هیچگاه بر زبان جاری نشده باشد، ولی همواره در پس افکارمان کمبودهایی که داشتیم، زندگی اکنونمان را تحت تأثیر قرار داده است. کامل به یاد داریم که در زمان کودکی ما، وسایل اربطاص جمععی و زندگی دیجیتال تا به این اندازه پیشرفت نکرده بود و زمانی حتی تماشای تلویزیون هم برای برخی اقتسار کم درآمدتر در دهه هفتاد به یک آرزو تبدیل می‌شود. به واسطه همین محدودیت‌ها، زندگی‌های ساده و متعاقبا سرگرمی‌های ساده‌تر داشتیم.

پدر آموزش و پرورشیی بود، حقوقی که می‌گرفت کفاف زندگی ماهانه را نمی‌داد و الحی والنصف ما لنگ می زد. فقط مشکلک ما نبود، آن زمان فاصل طبقاتی و خط فقر و این مسائل برآمده از زیستت لیبیرالی، کمتر حس می‌شود. به تقریباً ما و دیگر همسایه‌ها و حتی فامیل‌ها در یک سطح مالی بودیم و به همین واسطه خرید و داشتن خیلی چیزها برایمان به رؤیا تبدیل شده بود.

« سرمان شیره مالیدن»؛ جمله‌ای که اکثر هم سن و سال‌های بنده آن را به خوبی درک می‌کنند. به یاد دارم زمانی که برای خرید به بازار می‌رفتم از آن جایی که کودک بودیم و حس کودکی مان اجازه می‌داد هوس خیلی چیزها را بکنیم، مدام از پدر تقاضا داشتیم. پدر دوچرخه، پدر سگا بخر، پدر اسباب بازی؛ تمام جواب پدر این بود، فعلاً بیا برات بستنی بخرم، سر برج دوچرخه هم برات می‌خرم! به این ترتیب سرمان شیره مالیده می‌شد و هیچ‌گاه به آن چیزی که می‌خواستیم نمی‌رسیدم و همیشه منتظر سسر برج بودیم و امیدوار! غافل از اینکه تا وقتی عقلمان کامل شد، سر برج نرسید. حکایتی داستانی که تعریف کردم حکایت این

روزهای ماست، بعد از گذشت سه دهه از زندگی، همچنان سرمان شیره می‌مالندا ولی اینبار دیگر از سمت پدر بنده خدا نیست که با مشکلات زندگی دست و پنجه نرم می‌کرد تا بتواند اموات خانواده را بگذراند، ما دیگر عادت کردیم که سرمان شیره بمانند و آن چیزی که دوست داریم و احساس می‌کنیم که با آن زندگی قشنگ تر می‌شود، نداشته باشیم.

این روزها جناب آقای مسعود پزشکیان در قامت رئیس جمهور و برخی دیگر از مسئولان دولت چهاردهم نقش پدر را در سسه دهه قبل بازی می‌کنند و با روشنی کاملاً پدرا نه حواسمان را از آن چیزی که می‌خواهیم پرت می‌کنند و قول سسر برج را به ما می‌دهند!

بیش از سه ماه از جلوس جناب دکتر پزشکیان بر سر صندلی ریاست جمهوری می‌گذرد و قیمت‌ها همچنان روند صعودی را در پیش گرفته است و آنچه‌ن ممصم در حال بالا رفتن است که گویی مردم را به خاک سیاه نشانده، آرام نمی‌گیرد. جالب اینجاست که این بالا رفتن قیمت‌ها بالا رفتن صدای مردم را در پیش ندارد و انگار مردم به نوعی در خلسه فرو رفته باشند، فقط به تابلوی قیمت‌ها نیم‌نگاهی می‌اندازند و از کنار آن رد می‌شوند و دوباره روز از نو روزی از نو! در این میان آقای پزشکیان و دولت محترم برای مردم سرگرمی‌های جدیدی دست و پا کرده‌اند. دستشان درد نکند! این سرگرمی‌ها در حال حاضر حکم همان بستنی را دارد که پدر بنده خادیمان برای فرار از خریدن دوچرخه به دستمان می‌داد. رجیستری آیفون و واردات آن، بحث برداشتن فیلترینگ و یکی دو مورد بازگرداندن استناد و دانش‌جوهایی تعلیقی و حتی قول آزاد شدن موتور سواری برای خانم‌ها از جمله مواردی است که دولت چهاردهم روی میز گذاشته و در حال پیگیری آن است و دست بر قفا با استقبال برخی از مردم نیز روبرو شده است و از آن سو بالا رفتن قیمت دلار و سسکه و طلا و مسرغ و لبنیات و هزار نمونه دیگر را سعی کرده از آذهان مردم پاک کند. ما دهه شصتی‌ها گول خوردیم چون زمانی که خواسته امان را مطرح می‌کردیم پدر سرمان شیره می‌مالید و به جای دوچرخه، بستنی برایمان می‌خرید. دوباره داریم گول می‌خوریم، چون به جای ازدواج آسان و پایین آمدن قیمت دلار، طلا، سکه و مسکن و بالا رفتن حقوق و تسهیل زندگی، ما را دلخوش کردند به آیفون و موتور سواری و رفق فیلترینگ!

روا نیست آقای پزشکیان، برای دهه شصتی که از بدو تولد به هر دلیلی از رفاه محروم بود، امروز به جای تشکیل زندگی به رجیستر شدن آیفونی که نمی‌تواند بخرد دلخوش باشد. نام پدر بسیار مقدس است و دوست داشتنی و اگر در زمان بچگی دچار کمبودهای بودیم و سرمان شیره مالیدند به دلیل نداری پدر بود؛ کاش الان شما دیگر برایمان نقش پدر را بازی نکنید و به نقش ریاست جمهوری خود بسنده کنید تا شاید پس از ۳۰ سال به یکی از خواسته‌هایمان برسیم.

چرا مسئولان همیشه برای پولدارها تصمیمات خوب می‌گیرند؟!

#### گزارش

مسعود پزشکیان:

# در جنگ تمام عیار اقتصادی قرار داریم

گزارش

گزارش

رئیس جمهور گفت: امروز با جنگ تمام عیار اقتصادی مواجه هستیم؛ دشمن نمی‌تواند ما را در عرصه نظامی زمین‌گیر کند اما در حوزه‌ی جنگ اقتصادی مشکل داریم.

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور در آیین تجلیل از فعالان طرح جهش تولید در دیم‌زارها طی سخنانی بیان کرد: اعتباری که سال گذشته در بودجه برای گندم دیده شده بود، کفایت نمی‌کرد و با اذن از مقام معظم رهبری توانستیم پول گندمکاران را بپردازیم. وی افزود: می‌کوشیم تا مردم از سیستم اداری رضایت داشته باشند و فرآیندها تسهیل شود. ما در هر جلسه از دولت تأکید می‌کنیم که باید تلاش کرد رضایت مردم حاصل شود.

رئیس‌جمهور گفت: امروز با جنگ تمام عیار اقتصادی مواجه هستیم؛ دشمن نمی‌تواند ما در عرصه نظامی زمین‌گیر کند اما در حوزه‌ی جنگ اقتصادی مشکل داریم. دشمن قصد دارد با محاصره، ما را در عرصه‌ی اقتصادی زمین‌گیر کند و با تلاش فعالان این عرصه و همراهی دولت، نتوانند توانست.

پزشکیان اظهار داشت: باید بهترین کار را در عرصه‌ی اداری کشور و اقتصاد انجام دهیم، نه بیشترین کار را. در این‌زمینه نیاز است که با استفاده از کارشناسان، بهترین تصمیم‌ها اتخاذ شود.

رئیس‌جمهور گفت: باید براساس حق و عدالت در حکومت اسلامی رفتار کنیم؛ زمانی‌که جناحی و گروهی عمل می‌کنیم، به اشتباه خواهیم رفت. ما برای حق و عدالت باید اصلاحات انجام دهیم؛ این نیاز ماست. اگر با همین روش که تاکنون آمده‌ایم، ادامه دهیم نباید تصور کرد که تغییری ایجاد می‌شود.

پزشکیان هم‌چنین اضافه کرد: بررسی کنیم تا ببینیم وضعیت فعلی ما با چشم‌انداز ترسیمی از سوی رهبر معظم انقلاب چه تناسبی دارد؛ راه ما راه

# سیاست‌روز

info@siasatrooz.ir | www.siasatrooz.ir @siasatrooz |سه‌شنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۳ |شماره ۶۵۵۳ |



عزت است و این عزت را امروز در جامعه مشاهده نمی‌کنیم. این رویه‌ها باید اصلاح شود. وی گفت: دیروز برادران سازمان برنامه و بودجه به من گفتند ترکمنستان حاضر نیست درباره‌ی گاز با دولت ما قرارداد ببندد، می‌گویند دولت پول نمی‌دهد و می‌گویند به این علت با بخش خصوصی قرارداد می‌بندیم. البته قصد نبود این موضوع رسانه‌ای شود که البته الان رسانه‌ای شد!

رئیس‌جمهور خاطرنشان کرد: چرا با پیمانکار قرارداد می‌بندیم و به او پول نمی‌دهیم؟ اگر پیمانی می‌بندیم باید به آن پایبند باشیم و نباید عدول کنیم. این مفاهیم دینی ماست.

پزشکیان عنوان کرد: نیاز است درباره‌ی کمیّت و کیفیت کشت برنامه‌ریزی کنیم و برنامه‌ی هر بخش مشخص باشد و این مهم، نیاز به چاره‌اندیشی دارد. نباید طوری عمل کنیم که وقتی محصول کشاورز به بازار می‌آید، به ثمن بخش توسط دلال‌ها معامله شود. ما به کشاورزان فشار وارد می‌کنیم تا قیمت‌ها تنظیم شود ولی آنها که قیمت را جابجا می‌کنند مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

وی در این بیان کرد: جنگ امروز جنگ اقتصادی است و جنگ بمب و موشک نیست؛ ما موشک داریم تا از خود دفاع کنیم و به‌دنبال کشورگشایی نیستیم؛ موشک داریم تا دشمن جرات نکند ما را مثل غزه بمباران کند. البته غزه هم متوقف نمانده و یکسال ایستاده و از خود دفاع می‌کند. این بی‌شرمی غرب است که دم از حقوق بشر می‌زنند و پشت چهره‌های کراواتی و شیک‌شان، قتل می‌کنند.

رئیس‌جهور افزود: وقتی یک قاتل و تروریست را در کشورمان اعدام می‌کنیم، می‌گویند شما حقوق بشر را رعایت نمی‌کنید اما آن‌ها که قتل و غارت کرده و راه آب و نان مردم مظلوم را می‌بنندن، انسان هستند؟

## تمدن غربی آبرویش را از دست داده؛

## سروش و گنجی هم می‌دانند

حامیان غربی آن، موضع‌گیری می‌کنند، این تغییر رویکرد نشان می‌دهد که او حداقل به نسخه‌ای که غربی‌ها برای سکولاریزه کردن ایران تجویز می‌کنند دیگر به‌نسبت قبل اعتمادی ندارد.

گنجی اقدامات و سیاست‌های خشونت‌آمیز رژیم صهیونیستی را همواره محکوم می‌کند و از آن با عنوان «بزرگ‌ترین سازمان تروریستی جهان» یاد می‌کند. او با انتشار ویدئوهایی از جشن و شادی سربازان اسرائیلی پس از کشتار هزاران فلسطینی و لبنانی، به طعنه از آن‌ها به‌عنوان نازی‌های جدید یاد می‌کند و می‌گوید: «می‌خواهند که هیچ لبنانی در جنوب لبنان حضور نداشته باشد». اسرائیل مخالف قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل است. علاوه بر این، گنجی به‌شدت رویکرد کسروهای غربی را که با حمایت نظامی و تسلیحاتی از اسرائیل به جنایات آن کمک می‌کنند، مورد انتقاد قرار می‌دهد. او تأکید می‌کند که انگلستان یکی از تأمین‌کنندگان اصلی تسلیحات برای اسرائیل است و در صورت پذیرش جنایات جنگی این رژیم به‌عنوان نسل‌کشی، خودش نیز به‌عنوان شریک این جنایت شناخته خواهد شد.

گنجی همچنین کاندیداهای هردو حزب سیاسی اصلی آمریکا را به‌خاطر حمایت بی‌چون‌وچرای آن‌ها از اسرائیل نقد کرده و نفاق سیاستمداران غربی را آشکار کرده است. او به‌ویژه از کم‌سلا هریس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، انتقاد او را به‌عنوان «منافق صهیونیستان» توصیف کرده است و که به یهودیان و مسلمانان مسلمان متفاوتی می‌گوید اما در عمل تنها حامی اسرائیل است.

گنجی در فعالیت‌های اخیر که در کانال تلگرامی‌اش داشته فساد اخلاقی دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، و کاندیدای فعلی ریاست‌جمهوری) و رویکردهای اسلام‌بستیزانه او را به‌عنوان محور انتخاب کرده است. او به‌عنوان «منافق صهیونیستان» توصیف کرده است و که به یهودیان و مسلمانان مسلمان ستیز می‌کند تا به این طریق به اظهارات دروغین او واکنش نشان داده باشد؛ اظهاراتی که طی آن رئیس‌جمهور پیشین آمریکا برای جلب رأی مسلمانان خود را حامی صلح توصیف کرده و از حمایت مسلمانان و اعراب از خود گفته بود. گنجی به نزدیکی رضا پهلوی به اسرائیل و حمایت او از حملات این رژیم علیه ایران نیز واکنش نشان می‌دهد و می‌گوید: «خائن به وطن جز غش کردن یک‌سویه در آغوش اسرائیل هیچ کار دیگری بلد نیست… در تاریخ، از او و سلطنت‌طلبان تنها به‌عنوان خائن به ایران و مزدور اسرائیل یاد خواهد شد.»

در جریان درگیری‌ها و بمباران‌های اخیر غزه که هزاران نفر از مردم بی‌گناه قربانی شدند و زیرساخت‌های حیاتی نابود شد، کسروهای غربی نه‌تنها اقدامی بازدارنده انجام ندادند، بلکه با حمایت‌های بی‌پرده خود، این برداشت را تقویت کردند که ارزش و اهمیت جان مردم غرب آسیا در محاسبات آن‌ها کم‌رنگ‌تر از منافع سیاسی و اقتصادی‌شان است، چنین واکنش‌هایی باعث شد روشنفکرانی که سال‌ها غرب را به‌عنوان مدل ایده‌آل خود معرفی کرده بودند، به درک جدیدی از واقعیات روابط بین‌الملل و ارزش‌های مورد ادعای غرب برسند.

جریان روشنفکتری غربگرا که در دهه ۷۰ سکولاریسم با مدل غربی را ترویج می‌کرد امروز به دیوار واقعیت آرمان‌شهر غرب برخورد کرده است. حقوق بشر که به‌عنوان یکی از ارزش‌های کلیدی غرب معرفی می‌شد، اکنون بیش از هر زمان دیگری به ابزاری برای سیاست‌های دوگانه و بازی‌های قدرت تبدیل شده است. این تجربه، تردیدهای جدی‌ای را میان روشنفکرانی که سال‌ها به حمایت غرب امید بسته بودند، برانگیخته و آن‌ها را مجبور به واکنش‌هایی کرده است که عدول از مواضع آن‌ها در دهه ۷۰ محسوب می‌شود.

عدولت‌های غربی در مواجهه با کشتار بیش از ۵۰هزار نفر در غزه و هزاران نفر در لبنان اثر عمیقی بر بخش‌هایی از جریان روشنفکری داشته و آن‌ها را به تغییر دیدگاه در مورد آرمان‌شهر غربی وادار کرده است.

به گزارش تسنیم، عبدالکریم سروش، که زمانی می‌گفت «انسان‌های امروزی ترجیح می‌دهند حق‌مدار باشند تا حیوان تکلیف‌گرا»، اکنون به‌شدت از رفتارهای غیرانسانی رژیم صهیونیستی انتقاد می‌کند و در واکنش به جنایات این رژیم در ضاحیه بیروت می‌نویسد: «انسان‌نماهی وجود دارند که با هیچ معیار انسانی سازگار نیستند». همچنین اکبر گنجی، که طیف‌های مختلف سیاسی را تجربه کرده است، در گذشته در مقاله‌ای به محسن کدیور پاسخ داده بود: «سکولتورزی همان‌قدر انسانی‌ست که ظلم و بیباده». اما اکنون، اسرائیل را «سازمان تروریستی» و «بی‌رحم» می‌نامد. این پرسشش که چرا گنجی از موضع پیشین خود، یعنی توصیف ظلم به‌عنوان امری انسانی، عبور کرده و اکنون به محکوم کردن بی‌رحمی پرداخته است، و چرا سروش، که زمانی به حق‌مداری انسان‌ها باور داشت، امروز به اعتراض علیه رفتارهای رژیم صهیونیستی می‌پردازد، شاید پاسخی در وضعیت کنونی جهان داشته باشد. برخی از روشنفکرانی که در دهه ۷۰ برای ایران حکومتی سکولار و منطبق بر نسخه غربی پیشنهاد می‌کردند، اکنون با چشمان بازتری به جهان می‌نگرند.

حمایت آشکار آمریکا و اروپا از رژیم صهیونیستی، با وجود ادعاهای حقوق‌بشری و سکوت دولت‌های غربی در مواجهه با کشتار بیش از ۵۰ هزار نفر در غزه و هزاران نفر در لبنان، اثر عمیقی بر بخش‌هایی از جریان روشنفکری داشته و آن‌ها را به تغییر دیدگاه در مورد آرمان‌شهر غربی وادار کرده است که در دهه هفتاد پیاده‌سازی آن را در ایران آرزو می‌کردند. عبدالکریم سروش، که در گذشته چالش اصلی ایران را میان اخلاق و حقوق می‌دانست و باور داشت که «بسیاری از مسائلی که پیش‌تر غیراخلاقی تلقی می‌شدند، امروز با عنوان حق اخلاقی شده‌اند»، اکنون با صراحت بیشتری به مقابله با رفتارهای غیرانسانی رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آن می‌پردازد. او در واکنش به بمباران لبنان گفته است: «بهب مرخم‌های رسیدیم،یم که از انسان بودن خود شرم‌مگینیم؛ انسان‌نماهایی پدید آمده‌اند که هیچ‌گونه شباهتی با معیارهای انسانی ندارند.»، سروش با زبانی تند، عدم پایبندی مدعیان حقوق بشر غربی به اصول و ارزش‌های خود را به‌سخره می‌گیرد و می‌گوید: «جنایتکاری که این فجایع را مرتکب می‌شوند، مدعی حقوق بشر هستند و بارها امتحان داده‌اند، اما می‌بینیم که گرگان هار بی‌وقفه می‌تازند و سرخس اعتراضی نمی‌کند؛ رئیس این جنایتکاران در سازمان ملل حاضر می‌شود، تهدید می‌کند و با نهایت بی‌شرمی سخن می‌گوید، گویی که بر قله اخلاق ایستاده است، این تراژدی زمانه ماست.»

سروش همچنین از سازمان ملل به‌دلیل ناتوانی و بی‌عملی‌اش انتقاد کرده و گفته است: «شاید اصلاح واقعی جهان به حضور یک صلح‌الهی نیازمند باشد، می‌بینیم که نهایت تلاش بشر برای بهبود جهان تأسیس سازمان ملل بوده، اما آن هم تقصیر و تسخیر شده است.»، پس از حمله رژیم صهیونیستی به بیمارستان المعدلانی، سروش این رژیم را «قصاب غاصب» خواند و افزود: «هیچ واژه‌ای بهتر از «قصابان غاصب» یا «غاصبان قصاب» برای توصیف این جنایتکاران پیدا نکردم.»

اکبر گنجی که زمانی به‌عنوان منادی ایجاد حکومتی سکولار در ایران شناخته می‌شد و حتی در کنفرانس برلین برای ترویج این ایده حاضر شد، امروز موضعی کاملاً متفاوت اتخاذ می‌کند و به‌شدت علیه رژیم صهیونیستی و